رفقا سلام!

این روزها همه‌جا حرف از پنج عکس خارق‌العاده تلسکوپ «جیمزوب» از کیهانه؛ تصاویری که با فناوری خارق‌العاده و تلاش چند نسل از دانشمندان می‌تونن چیزی نزدیک به ابتدای عالم رو به ما نشون بدن. حالا دانشمندها با داده‌های تازه‌ای که در اختیار دارن، می‌تونن تئوری‌های فیزیکی رو رد یا تأیید کنن و می‌تونن درباره چگونگی شکل‌گیری کیهان، بهمون توضیح بدن. رفقای ما تو پرونده دیروز، ۲۲ تیر، راجع به این موضوع مفصل توضیح دادن که می‌تونین توی آرشیو سایت به این نشانی بخونین:

zendegisalam.khorasannews.com

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

گالری

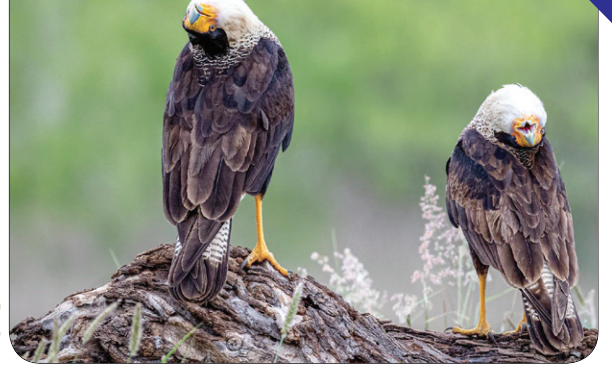
عکس از: telegraph.co.uk

شاهین «کاراکارا» در حال نمایش مهارت‌هایش

اطلاعات عمومی

موسیقی چطور ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

ما چرا موسیقی را دوست داریم؟ چرا از هر فرصتی استفاده می‌کنیم تا قطعات موسیقی مورد علاقه‌مان را برای دوستان‌مان بفرستیم؟ موسیقی چطور روی ما تأثیر می‌گذارد؟ در اطلاعات عمومی این هفته به این سوالات پاسخ می‌دهیم.

منبع: psychologytoday.com

تداعی آموخته‌شده

یکی از راه‌هایی که موسیقی از طریق آن احساسات ما را درگیر می‌کند، تداعی آموخته شده است؛ به این معنی که ما انواع خاصی از موسیقی را غمگین می‌شنویم چون طبق تجربه آن‌ها را با رویدادهای غم‌انگیز مرتبط می‌دانیم؛ به بیان بهتر باید گفت موضوع لزوما احساس ناشی از موسیقی نیست بلکه چیزی است که ما را به یاد آن می‌اندازد. برای همین است که یک قطعه مشخص موسیقی ممکن است عده‌ای را خوشحال کند و اشک عده‌ای دیگر را دربیاورد. ماجرا به افکاری بستگی دارد که در حافظه ما تداعی می‌شود.

تأثیر بر سیستم عصبی

پاسخ بیولوژیکی به موسیقی لذت‌بخش می‌تواند به آزاد شدن انتقال دهنده‌های عصبی مرتبط با پاداش مانند «دوپامین» منجر شود. نواحی مغزی که توسط موسیقی فعال می‌شوند، همان مناطقی هستند که در لذت بردن از غذا روشن می‌شوند. موسیقی همچنین بخش‌هایی از مغز را فعال می‌کند که درگیر احساسات مرتبط با دلبستگی مانند عشق، شفقت و همدلی هستند. این موضوع توضیح می‌دهد که موسیقی چطور می‌تواند پیوندهای اجتماعی را تقویت کند. ما به‌واسطه موسیقی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم؛ با هم به یک قطعه موسیقی گوش می‌دهیم، با خواننده آهنگ هم‌خوانی می‌کنیم و دسته‌جمعی آواز می‌خوانیم.

کاتارسیس

کاتارسیس یا «روان‌پالایی» به زبان ساده یعنی مدیریت و برون‌ریزی احساسات انباشته از طریق هنر. موسیقی مثل دیگر رشته‌های هنری از جمله سینما به هدایت و بروز احساسات منفی مثل خشم و اندوه کمک می‌کند. وقتی فیلم غمگینی تماشا می‌کنیم یا به یک قطعه موسیقی غمگین گوش می‌دهیم، احساسات منفی درونی‌مان را تجربه می‌کنیم بدون آن که تهدید و خطر واقعی موجود در فیلم و موسیقی به ما لطمه بزند. به بیان بهتر ما در همراهی با تجربه جدایی یا شکست در یک قطعه موسیقی و فیلم، غمگین می‌شویم بدون آن که نیاز باشد خود جدایی و شکست را تجربه کنیم؛ به این موقعیت، کاتارسیس گفته می‌شود.

جادوی ضرب‌آهنگ

موسیقی به ما حس حرکت می‌دهد و ما با ضرب‌آهنگ موسیقی همراهی می‌کنیم؛ حرکت در موسیقی باعث تقویت و تشدید احساسات می‌شود و منبع لذت است. تصادفی نیست که موسیقی شاد، باعث خوشحالی می‌شود؛ همراهی با الگوی ریتمیک موسیقی، ریتم درونی ما (ضربان قلب) را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، ضربان قلب‌مان افزایش یا کاهش می‌یابد تا با موسیقی یکی و در آن شناور شود. برای همین است که خیلی‌ها برای ورزش هایی مثل دویدن از موسیقی کمک می‌گیرند.

نکته مهم

درمجموع، موسیقی ابزاری در اختیار ما قرار می‌دهد تا احساسات‌مان را بروز دهیم. ما می‌توانیم خودمان را در آینه موسیقی ببینیم اما نباید آن را نوعی قرص جادویی بدانیم و توقع داشته باشیم که بتواند احساسات منفی‌مان را برطرف کند. تأثیر گوش دادن به موسیقی برای دوری از احساسات منفی، موقتی است و این خود ما هستیم که باید برای تغییر دادن شرایط و حل کردن مسائل‌مان کاری انجام بدهیم.

مسیر

دوبله، شریک شدن در تجربیات گوناگون بشری است

چندوچون ورود به دنیای دوبلاژ در گفت‌وگو با یک دوبلور

الهه توانا | روزنامه‌نگار

من کی‌ام؟

محمدرضا لبیب هستم، متولد ۱۳۶۹ در دانشگاه در مقطع کارشناسی، مهندسی برق و در مقطع ارشد، فلسفه خوانده‌ام. من از آن آدم‌هایی هستم که به‌آن‌ها می‌گویند «ابوالمشاغل» یعنی شغل‌های متفاوتی دارم اما اگر بخواهم در حیطه هنری خودم را معرفی کنم، دوبلور، گوینده رادیو و بازیگر تئاتر هستم.

دقیقا چه کار می‌کنم؟

این روزها در حال اجرای یک برنامه صبحگاهی در رادیو اقتصاد و برنامه هفتگی «صبح جمعه با شما» هستم. بعدازظهرها هم در استودیوی شخصی خودم مشغول نریشن گفتن، ضبط کتاب صوتی، آنونس و تیزر هستم اما اصلی‌ترین فعالیتم، دوبله است؛ کاری بسیار پیچیده که ترکیبی از گویندگی و بازیگری است و به آموزش، دانش و استعداد نیاز دارد.

شما چطور می‌توانید همکار من شوید؟

اگر به دوبله علاقه‌مندید، در نوجوانی، فرصت کافی دارید که خودتان را برای ورود به این حرفه آماده کنید اما چطور؟ اول از همه باید بدانید پایه هنر دوبلاژ، بازیگری تئاتر است. کسانی که بیان تئاتری دارند، در دوبله خیلی موفق‌تر خواهند بود.

نکته بعدی، مطالعه است؛ شما در دوبله نقش‌های متنوعی بازی می‌کنید و داستان و رمان خواندن به شما کمک می‌کند که خودتان را به شخصیت‌های مختلف نزدیک کنید. هنرپیشه‌ای که در یک فیلم بازی می‌کند، ماه‌ها برای ساختن شخصیت وقت دارد اما شما به‌عنوان دوبلور باید بتوانید در عرض چند ساعت آن شخصیت را بشناسید و این کار فقط وقتی ممکن است که آرشیو خوبی در ذهن‌تان از شخصیت‌های داستانی و مردم کوچه‌وبازار داشته باشید تا بتوانید از آن‌ها استفاده کنید.

توصیه سوم من، فیلم دیدن است. شما باید زیاد فیلم ببینید؛ کلاسیک‌ها، جدیدها و به خصوص فیلم‌های دوبله و سعی کنید دوبلورها را بشناسید و توانایی‌ها و تفاوت‌های‌شان را درک کنید. با بزرگان هنر دوبلاژ آشنا شوید و کارهای‌شان را بشنوید.

از بین همه کارهای مرتبط با حوزه صدا، پیشنهاد جدی‌تر من، تولید پادکست است. این روزها دیگر لازم نیست منتظر بمانیم تا مراجع قدرت، رسانه‌ای معرفی کنند که ما در آن کار کنیم. الان هر کس می‌تواند رسانه خودش را داشته باشد و پادکست، رسانه دنیای جدید است

در نوجوانی می‌توان وارد دنیای دوبله شد؟

عجله، آفت حرفه دوبله است؛ عجله برای وارد شدن به این شغل، برای نقش گفتن، نقش یک گفتن، پخش شدن صدا و پول درآوردن. پیشنهاد می‌کنم که در این سن، به پرورش خودتان بپردازید و روی یاد گرفتن یک مهارت، هنر یا ورود به دانشگاه سرمایه‌گذاری کنید. بعد همزمان با تحصیل یا مهارت‌آموزی، در یک گروه دوبلاژ معتبر عضو شوید.

انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم که قدیمی‌ترین انجمن دوبلاژ است و چند گروه انگشت‌شمار دیگر، مسیرهای ورود به عرصه دوبله هستند که البته شرایطی هم دارند؛ مثلا برای پیوستن به انجمن دوبلاژ حتما باید مدرک کارشناسی داشته باشید. درست است که دوبله از حیث دشواری به‌عنوان حرفه‌ای تمام‌وقت از شما زمان و انرژی می‌گیرد اما از جنبه اقتصادی نمی‌شود روی آن به‌عنوان یک شغل حساب باز کرد.

با یک صدای خوب و آموزش دیده چه کارهای دیگری می‌شود کرد؟

یک صداپیشه می‌تواند شغل‌های مختلفی داشته باشد که چند نمونه از آن را در این مطلب شناختید. از بین همه کارهای مرتبط با حوزه صدا، پیشنهاد جدی‌تر من، تولید پادکست است. این روزها دیگر لازم نیست منتظر بمانیم تا مراجع قدرت، رسانه‌ای معرفی کنند که ما در آن کار کنیم.

الان هر کس می‌تواند رسانه خودش را داشته باشد و پادکست، رسانه دنیای جدید است. کسانی در این عرصه موفق می‌شوند که علاوه بر تولید محتوای خوب، اصول ساخت اثر رادیویی و به کار گرفتن صدا را بلد باشند. پادکست‌های زیادی هستند که محتوای خوبی دارند و روی کاغذ، عالی به‌نظر می‌رسند اما به دلیل نداشتن شرط دوم، موفق نمی‌شوند. گویندگی تیزر و پیام‌های بازرگانی هم از حوزه‌هایی است که آورده مالی خوبی دارد منتها یک عرصه رقابتی خیلی پیچیده است که ورود به این عرصه و ماندن در آن، سخت و عجیب است.

خوشی‌ها و سختی‌های حرفه من چیست؟

چیزی که من را خیلی اذیت می‌کند، دوبله‌های بی کیفیت است که آبروی این حرفه را می‌برد و از خوشی‌هایش همین قدر بگویم که اگر در یک محیط حرفه‌ای قرار بگیرید، این کار تماما لذت است. دوبلور در موقعیت‌ها و تجربه‌های انسانی مختلف، با بازیگران شریک می‌شود؛ موقعیتی عاشقانه، وضعیتی اندوهبار، شرایطی ترسناک و کلی تجربه دیگر که با آن‌ها درگیر می‌شوید، گریه می‌کنید، می‌خندید و ظرفیت‌هایی از شما شکوفا می‌شود که پیشتر خودتان ندیده بودید.

سینماتوگراف

مواد لازم برای ساخت یک فیلم «خوب»

چه عواملی باعث می‌شود یک اثر سینمایی را فیلم خوبی بدانیم و دیگری را نه؟

به فیلم‌های مورد علاقه‌تان فکر کنید، چرا آن‌ها را دوست دارید؟ چه چیزی باعث می‌شود بعضی از فیلم‌ها را خوب بدانیم و بعضی‌های دیگر را دوست نداشته باشیم؟ درست است که سلیقه ما نظرمان را نسبت به یک فیلم تعیین می‌کند اما فیلم‌های خوب که با هدف سرگرم شدن سراغ‌شان می‌رویم، در عواملی با هم اشتراک دارند. علت تاکید روی سرگرمی این است که اگر فیلمی با هدفی جز این ساخته شده باشد معیارهای خوب بودنش تا حد زیادی متفاوت می‌شود. خلاصه تا این‌جای سینماتوگراف که پابه‌پای هم آمدیم تا چندوچون دنیای فیلم‌سازی را یاد بگیریم، درباره مواد لازم برای ساخت یک فیلم خوب به‌طور مفصل با هم حرف زده‌ایم، حالا می‌خواهیم بفهمیم این عوامل چطور دست‌به‌دست هم می‌دهند تا ما به یک فیلم سرگرم کننده علاقه داشته باشیم.

داستان سرراست

داستان‌ها از گذشته‌های دور، در دل غارهای تاریک تا امروز، روی پرده‌های پیشرفته سینما دوام آورده‌اند. پس می‌شود گفت آن چه ما را مجذوب می‌کند، در قدم اول فارغ از ژانر و تکنیک، یک داستان خوب است؛ داستان خوب یعنی روایت سیری که در آن شخصیت اصلی قصه تغییر می‌کند. حالا به فیلم‌های موردعلاقه‌تان دوباره فکر کنید. می‌توانید داستان آن‌ها را در یک خط توضیح بدهید؟ می‌توانید بگویید شخصیت اصلی در ابتدا و انتهای فیلم، چه تغییری کرده‌است؟

تکرار به‌اندازه

چه کسی از قصه‌های تکراری و شخصیت‌های تکراری و دیالوگ‌های تکراری خوشش می‌آید؟ خب هیچ کس اما معنی‌اش این نیست که «تکرار» در فیلم‌های خوب جایی ندارد. برعکس از نظر روان‌شناسی ما از میزان خاصی از تکرار لذت می‌بریم، درواقع هنر فیلم‌ساز این است که از این میزان فراتر نرود. تکرار در فیلم، اطلاعات مهم را به بیننده یادآوری و او را به پی گرفتن ماجرا، علاقه‌مند می‌کند. شخصیت «کاپیتان میلر» در فیلم «نجات سرباز رایان» شغل غیرنظامی‌اش را پنهان می‌کند، درمجموع در فیلم سه بار درباره آن از میلر سوال می‌شود و او که می‌خواهد روزی به زندگی غیرنظامی‌اش برگردد، از گفتن شغلش سر باز می‌زند. تکرار، به این صورت می‌تواند در خدمت فیلم دربیاید. در فیلم مورد علاقه شما چه چیزی تکرار می‌شود؟

شخصیت‌های مزه‌دار شده!

شخصیت‌ها در فیلم از طریق دیالوگ، شناسایی می‌شوند اما چیزی که به آن‌ها وجهی «انسانی» و باورپذیر می‌دهد، «بافت» است. در فیلم‌های خوب، شخصیت‌ها زندگی فراتر از طرح داستان دارند. آن‌ها فقط یک سری دیالوگ به زبان نمی‌آورند بلکه زندگی‌شان را به ما نمایش می‌دهند؛ روزمرگی و کارهای ساده‌ای مثل پیاده‌روی و غذا خوردن، اضافه کردن بافت به فیلم است؛ مثل اضافه کردن ادویه به غذا. حالا باز سری به فیلم محبوب‌تان بزنید. شخصیت اصلی را چقدر می‌شناسید؟ کارگردان، او را با چه رفتارهایی به شما شناسانده است؟

سرعت مجاز

رعایت کردن سرعت مجاز در فیلم یکی دیگر از عواملی است که آن را از یک اثر خواب‌آور به یک تجربه عالی تبدیل می‌کند. در هر قصه‌ای هم به تنش نیاز داریم و هم به لحظات آرامش و صلح‌آمیز؛ این تنش، لزوما به معنی درگیری نیست و براساس ژانر فیلم، هر چیزی می‌تواند باشد به شرط آن که آرامش را در قصه مختل کند. تنش و آرامش، قرار است فیلم را به نقطه اوج و به پایان برساند؛ اگر میزان آن‌ها کمتر یا بیشتر از حد مشخصی باشد، مخاطب بی‌خیال فیلم دیدن می‌شود. در فیلم مورد علاقه شما، تنش چه زمانی و با چه اتفاقی شروع می‌شود؟ کی و چطور به آرامش می‌رسد؟

پایان درست

یک شروع خوب، بدون پایان درست و به‌موقع، ارزشش را از دست می‌دهد. فیلم مورد علاقه شما بعد از پشت سر گذاشتن فراز و فرودها و حل کردن چالش‌ها، چطور تمام می‌شود؟ اگر پایان را از آن فیلم حذف کنید، باز هم برای‌تان دوست‌داشتنی خواهد بود؟ پایان فیلم مثل آخرین قطعه یک پازل است که اگر سر جایش قرار نگیرد، کل تصویر ناقص به‌نظر می‌رسد. وقتی قصه تمام می‌شود اما سروکله «پایان» هنوز پیدا نشده است یا برعکس وقتی قصه هنوز چیزهایی برای گفتن دارد و «پایان» عجولانه از راه می‌رسد، فیلم از چشم مخاطب می‌افتد.

منبع: beyondthesight.com

سفرنامه

اقامت با زرافه‌ها در هتل

این روزها با رقابتی که در میان کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری وجود دارد، صاحبان هتل‌ها بیکار ننشسته‌اند و برای جذب گردشگران و افزایش درآمد، دست به ابتکارات جالبی می‌زنند. احتمالا می‌دانید که زرافه از حیوانات بومی کشور کنیاست اما چیزی که شاید ندانید این است که گردشگران در هتل «مانور» کنیا در مرکز آفریقا می‌توانند ضمن اقامت در این هتل با زرافه‌ها ملاقات کنند. ایده «مانور» که به «هتل زرافه» مشهور است، در سال ۱۹۳۲ در ذهن یک کنیایی به‌نام «دیوید دانکن» جرقه زد. دیوید می‌خواست اقامتگاهی خاص بسازد تا مردم در کنار غذا خوردن، خوابیدن، قدم‌زدن و تفریح، تعاملی دوستانه با حیوانات برقرار کنند. پس با آوردن هشت زرافه، مانور را به یکی از زیباترین و هیجان‌انگیزترین هتل‌های جهان تبدیل کرد. این هتل در فضای سرسبز ۱۲ هکتاری واقع شده است و ۱۲ اتاق دارد. هر روز، زرافه‌ها با ضربه زدن به پنجره اتاق‌ها از مسافران می‌خواهند بیدار شوند و پنجره را به روی‌شان باز کنند. زرافه‌های هتل مانور علاقه زیادی به خوردن صبحانه با مهمانان دارند. آن‌ها در هر وعده غذایی سرشان را از پنجره رستوران داخل می‌آورند و با نگاهی مظلومانه از مسافران می‌خواهند که غذای‌شان را با آن‌ها شریک شوند. مهمانان هم از این دورهمی دوستانه با حیوانات لذت دوچندان می‌برند. این هتل قدمتی ۸۰ ساله و ظاهری قدیمی دارد اما امکانات و خدماتش در سطح هتل‌های مطرح دنیاست. ساختمان آجری مانور، پوشیده شده با گل‌های سبز و صورتی و در و پنجره‌های چوبی که نمای ویژه‌ای به آن داده است. عناصر به کار رفته در چیدمان داخلی هتل بیشتر از چرم و چوب است و سبک دکوراسیون‌های سال ۱۹۳۰ را یادآوری می‌کند.

بدون شرح

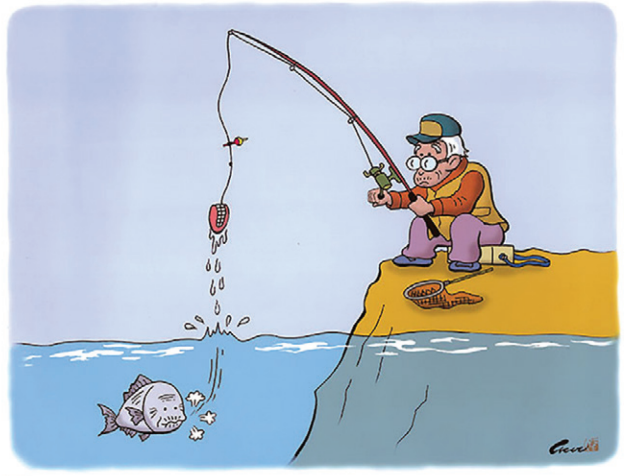
اثری از: KumihikoHaseba

پیشنهاد

گربه‌ای که کتاب‌ها را نجات داد

نویسنده: سوسوکه ناتسوکاوا
مترجم: الهام صیفی‌کار
نشر: دانش‌آفرین
قیمت: ۵۹ هزار تومان

محمدحسین پورعباس | خبرنگار افتخاری جوانه

همه ما کسانی که عاشق کتاب هستیم، می‌توانیم با «رینتارو» شخصیت داستان «گربه‌ای که کتاب‌ها را نجات داد»، در عشق و علاقه‌اش به کتاب همزادپنداری کنیم. رینتارو، یک «هیکوکوموری» است؛ یعنی فرد گوشه‌گیری که خودش را از جامعه جدا می‌کند. پدربزرگ رینتارو، یک کتاب‌فروشی دارد و یک گربه تپل و عجیب که گاه‌گاهی توی مغازه ظاهر می‌شود؛ کتاب‌فروشی در شرف تعطیل شدن است و رینتارو مأموریت دارد که به کتاب‌ها کمک کند، آن هم با همراهی گربه سخنگوی عجیب! این کتاب برای من پر بود از نکات آموزنده، قشنگ و پرمفهوم؛ طوری که خیلی از قسمت‌ها را چند بار می‌خواندم تا کاملا با گوشت و پوستم درک‌شان کنم. «گربه‌ای که کتاب‌ها را نجات داد»، داستانی فوق‌العاده است برای تمام عاشقان کتاب.

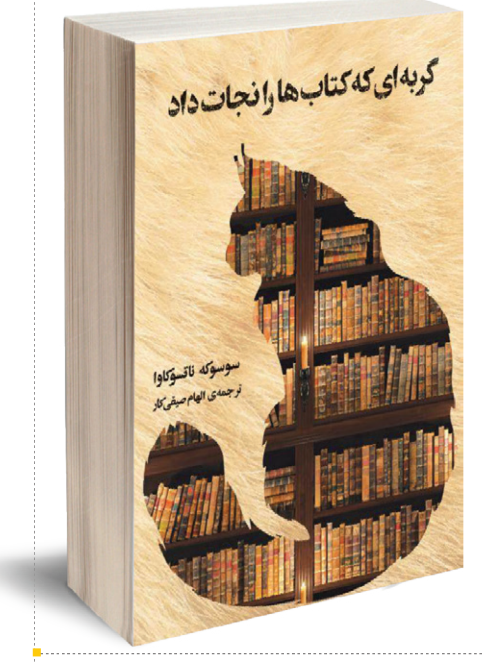

یک قاچ از کتاب

«کتابا نمی‌تونن به‌جای تو زندگی کنن. خواننده‌ای که با پاهای خودش رو زمین راه نره و دنیا رو تجربه نکنه، شبیه یه دایرةالمعارفه، مغزش پره از کلی اطلاعات قدیمی.»

بگونگو

چشم‌هایی همچون تلسکوپ جیمزوب

دانیال دایی داوودداینا | طنزپرداز

جوانه عزیز، ممنون که فضایی ایجاد کردین برای پاسخ به سوالات ما نوجوانان. منم یک سوال داشتم، مثل تمام هم‌نسل‌هام؛ سوالی که ذهن خیلی از ما رو به خودش مشغول کرده اینه که چرا هروقت دست‌مون کثیفه دماغ‌مون می‌خاره؟

ممنون از توجه‌تون. ببینین این سوال مختص نسل شما نیست و همیشه همراه نسل‌های مختلف بوده. دماغ‌ها سنسوری دارن که هروقت میری آرایشگاه، به‌محض این که آرایشگر پیش‌بندرو می‌بنده دماغ شروع به خارش می‌کنه. گاهی وقتی دستت پره می‌خاره، گاهی وقتی داری با یکی صحبت جدی می‌کنی می‌خاره. برین توی تنظیمات دماغ، بخش خارش و حالت خارش اتوماتیک رو غیرفعال کنین.

من از الان برای کنکور سال بعد استرس دارم. آخه یک آهنگ رو که از حفظ می‌خونم مامانم می‌گه: «کاش درسات رو همین جوری می‌خوندی. تو مگه ۳۵۲ روز دیگه کنکور نداری؟»

با برنامه‌ریزی همه‌چی درست می‌شه و دیگه استرس نداری. فقط خود برنامه‌ریزی یک مشکل کوچیک داره اونم اینه که ما برنامه‌ریزی می‌کنیم که بی‌برنامه نباشیم اما بهش عمل نمی‌کنیم.

من فقط از یک چیز بدم میاد، اونم گرماست.

خوش‌به‌حالت، من از سه تا چیز بدم میاد. گرمای صبح، گرمای ظهر، گرمای شب.

من هنوز نفهمیدم چرا بعد از حمام دوست دارم نیم‌ساعت مثل تلسکوپ جیمزوب خیره به کیهان بشم و درباره پیدایش کائنات و چیستی کیهان تفکر فلسفی کنم؟

آخه آدم بعد از اجرای کنسرت برای کاشی‌های حمام خسته می‌شه و فقط تفکر فلسفی خستگیش رو درمی‌کنه. من حتی گاهی شامپو رو می‌گیرم سمت کاشی‌ها تا همخوانی کنن و براشون دست تکون می‌دم. یک بار حتی به یکی‌شون امضا دادم.

کی گفته تابستون بهترین سه ماه ساله؟ ما که نه سفر می‌ریم، نه کلاس پیانو، نه استخر و ورزش. فقط گرما می‌خوریم.

دانشمندان بررسی کردن فهمیدن اولین بار شترها ادعا کردن تابستون بهترین سه ماه ساله. اونم چون به‌مقدار کافی نعناع و آب خورده بودن و تو کوهان‌شون موهیتو ذخیره کرده بودن.

برگ سبز موتورسیکلت دلتا ۱۵۰ cc
مدل ۸۹ به شماره انتظامی ۷۶۱-۹۴۹۵۱
به شماره تنه: ۸۸۱۰۲۵۸ به شماره
موتور ۱۰۲۵۳۴۳ بنام محمدرضا امانی
مفقود و فاقد اعتبار است ۱۴۰۱۷۹۵۶۱/م

برگ سبز و شماره انتظامی موتور سیکلت هوندا اترک ۱۲۵سی سی به شماره انتظامی ۱۷۶۳ایران۳۹۹۶۲
و شماره موتور *1029279*NEA وشماره شاسی
NAE***125A8921677 بنام مهلا امیری فر
مفقود و فاقد اعتبار است ۱۴۰۱۷۹۵۹۹/ف

برگ سبز خودرو نیسان مدل ۸۸
شماره انتظامی ایران ۳۶ - ۸۸۹ هـ ۷۴
شماره موتور ۵۲۷۵۳۹
شماره شاسی NAZPL140TIM234886
بنام ابوالفضل آزادی مفقود و فاقد اعتبار است
۱۴۰۱۷۹۶۰۳/ف

برگ سبز و وکالت خودرو ام وی ام ۱۱۰ بنام مهناز الهی
به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۳۵۴ ی ۴۶
و شماره موتور MVM371FBHG007194
و شماره شاسی NATEBAPM0H1006750
مفقود و فاقد اعتبار می باشد ۱۴۰۱۷۹۵۸۹/پ

برگ سبز وسند کمپانی نیسان جرثقیل سفید مدل۸۵
به شماره انتظامی ۱۲ایران۵۴۷ج۵۶
به شماره شاسی J052287
به شماره موتور 365603
بنام رسول رهنما مفقود وفاقد اعتبار است ۱۴۰۱۷۹۵۴۷/ف

برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ جی ال ای مدل ۸۳
به شماره انتظامی ۳۹۱ د ۸۵ ایران ۳۶ به شماره
موتور ۱۲۴۸۳۰۴۰۴۶۳ به شماره
شاسی ۸۳۷۰۰۶۴۸ بنام امیر بارگزی
مفقود و فاقد اعتبار است ۱۴۰۱۷۹۵۹۶/م

برگ سبز و سند خودرو پژو ۲۰۶ بنام فرشته قیاسی حدادان
به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۸۸۱ ل ۱۶
و شماره موتور FSS14803123
و شماره شاسی ۸۳۶۴۳۶۱۶
مفقود و فاقد اعتبار می باشد ۱۴۰۱۷۹۶۷۷/پ

اینجانب مهدی کاظمی مالک خودرو وانت پیکان
به شماره انتظامی ۴۷ ه ۷۶۳ ایران ۱۲ شماره بدنه NAAA46AAXAG095788 و شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۹۶۹۰۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.
۱۴۰۱۷۹۵۵۸/ر

شماره تاسیس و بهره برداری کارگاه به شماره ۵۰/۱۱۹۰
و شناسه نظارت کارگاهی نبات زعفرانی به شماره ۱-۵۰/۱۱۹۰ و شکر پنیر با طعم هل به شماره ۲-۵۰/۱۱۹۰ بنام غلامرضا مددی به آدرس جاده کنه بیست چهارراه مهدی آباد سمت راست شهرآباد امام رضا ۱۴ قطعه چهارم سمت چپ مفقود گردیده است.
۱۴۰۱۷۹۵۵۶/ط

برگ سبز خودرو به نام محمود هراتی اول
شماره انتظامی 645د93 ایران12
و شماره موتور 153H0062940 و شماره شاسی
NAAW61HUXNE563132 مفقود و فاقد اعتبار است.
۱۴۰۱۷۹۵۸۴/ر

برگ سبز وسند کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ایران ۳۲-۲۱۶ط۲۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۰۴۴۸۸۷ وشماره شاسی NAAM01CA4AR515591 به نام قربان محمد رحیمی گزکوه مفقود وفاقد اعتبار است ۱۴۰۱۷۹۵۷۹/ش

آگهی مناقصه عمومی (تجدید)

دهیاری علمدار

دهیاری های بخش سلیمان شهرستان زاوه (دهیارهای میرپسند، قلعه نو صفی آباد، شوراب) در نظر دارند مناقصه های عمومی یک مرحله ای را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نمایند. لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران وبازگشایی پاکت‌ها ازطریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: https://www.setadiran.ir/setad/cms/home انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه‌محقق‌سازند.

آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:
ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۲ تا روز شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۵
آخرین مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۳:۰۰ روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۴
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۸:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۵
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها به آدرس: استان خراسان رضوی، شهرستان زاوه، شهر چخماق، بخشداری سلیمان
تلفن: ۰۵۱۵۳۷۴۳۷۳۲_۵۳۷۴۳۷۹۰
۱۴۰۱۷۹۵۹۵/ر

استان خراسان رضوی، شهرستان زاوه، دهیاری های بخش سلیمان ۰۹۱۵۹۰۹۱۱۳۴

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
شماره ۲۳-۲۴-۰۱ نوبت اول

دهیاری روستای اندرخ از توابع بخش مرکزی شهرستان مشهد براساس مصوبه شورای اسلامی روستا در نظر دارد اجرای عملیات تهیه، حمل و اجرای پروژه بتن آسفالتی تهاتری با قیر بنیاد تعدادی از معابر روستا را از طریق مناقصه عمومی به شرکتهای واجد شرایط دارای حداقل پایه ۵ صلاحیت پیمانکاری در رشته راه و ترابری و با رعایت ظرفیت کاری واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه (خرید و دریافت اسناد و ارائه پیشنهادات) در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir صورت می گیرد و شرکتهای متقاضی می بایست نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در این سامانه اقدام نمایند. **مبلغ برآورد اولیه بر اساس فهرست بها ۱۴۰۱ راه:** ۹,۴۵۵,۵۱۰,۰۴۲ ریال **مدت زمان اجرای کار:** برابر ۶۰ روزکاری **مهلت خرید اسناد:** از تاریخ درج آگهی در سامانه ستاد تا ساعت ۸:۰۰ روز چهار شنبه ۱۴۰۱/۰۵/۰۵ - **مبلغ خرید اسناد:** فیش واریز وجه به مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری شماره ۰۱۰۷۶۹۳۱۹۸۰۰۶ سیبا نزد بانک ملی ایران شعبه استانداری خراسان رضوی بنام دهیاری اندرخ - شناسه ملی دهیاری اندرخ: ۱۴۰۰۳۱۲۲۱۷۶ **مهلت ارائه پیشنهاد قیمت در سامانه:** از زمان درج آگهی در سامانه ستاد تا ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ - **زمان بازگشایی پیشنهادات:** ساعت ۱۲:۰۰ روز چهار شنبه ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ **مبلغ سپرده شرکت در مناقصه:** ۴۷۲,۷۷۵,۵۰۲ ریال در وجه دهیاری روستای اندرخ و یا واریز به حساب فوق الذکر - دارا بودن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاران الزامیست. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به آدرس مشهد، دهستان تبادکان، روستای اندرخ مراجعه نمایند. هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
دهیاری اندرخ ۱۴۰۱۷۹۳۰۳/د

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۴/۲۳

جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی نیکوکاران مبتکر توس به شماره ثبت ۳۱۳۶۴ ساعت ۱۰ صبح روز جمعه مورخه ۱۴۰۱،۵،۱۴ در محل زمین زکریا واقع در بلوار نماز - نماز ۲۳ با دستور جلسه ذیل تشکیل می گردد لذا از کلیه اعضای محترم دعوت می شود با همراه داشتن کارت شناسایی معتبر جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات دستور جلسه در این مجمع عمومی حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرسین
۲- اتخاذ تصمیم در خصوص صورت های مالی سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹و ۱۴۰۰
۳- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۱
۴- تصمیم‌گیری در خصوص اصلاح مصوبه فروش در مورد زمین زکریا
۵- تصمیم گیری در مورد سهامدارانی که در افزایش سرمایه سال ۱۳۹۸ شرکت ننموده اند (در صورت موافقت تعیین جریمه مربوطه)
۶- تصمیم گیری در مورد افزایش سرمایه
۷ -انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره برای مدت سه سال
۸- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل برای مدت یک سال مالی

تذکر: آن دسته از اعضای محترم که حضورشان در جلسه مجمع مقدور نمی باشد می توانند حق رای خود در مجمع عمومی را به موجب وکالت نامه کتبی به فرد دیگری واگذار نمایند. در این صورت هر عضو علاوه بر رای خود حداکثر تا ۳ رای با وکالت و غیر عضو فقط یک رای وکالتی می تواند داشته باشند. برای ورود به جلسه مجمع و اعطای وکالت، عضو بایستی به همراه نماینده خود با همراه داشتن مدارک شناسایی معتبر از تاریخ ۱۴۰۱/۵/۱۱ تا تاریخ ۱۴۰۱/۵/۱۳ از ساعت ۹ الی ۱۳ به محل دفتر شرکت تعاونی مراجعه و فرم لازم را تکمیل نمایند با توجه به اینکه انتخاب هیئت مدیره و بازرسان جدید در دستور جلسه قرار دارد کسانی که تمایل به داوطلب شدن در سمت هیئت مدیره و بازرسی دارند می توانند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی ۲۳/ ۱۴۰۱/۴ لغایت پایان وقت اداری ۱۴۰۱/۵/۱ از ساعت ۹ تا ۱۲ به دفتر شرکت واقع در استانداری - طبقه فوقانی کانون بازنشستگان مراجعه نموده و نسبت به تکمیل فرم مربوطه اقدام نمایند.
هیئت مدیره
۱۴۰۱۷۹۵۷۵/ش

برگ سبز خودرو سمندبه نام بهمن طاهری
شماره انتظامی۱۹ط۷۳۱ ایران ۷۴
و شماره موتور 14789011065
و شماره شاسی NAACJ1JC6BF267311
مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۴۰۱۷۹۶۵۴/ر

برگ سبز خودرو پژو روآ بنام مهدی جگری
به شماره انتظامی ۷۴ ایران ۴۷۲ س ۵۲
و شماره موتور ۱۱۶۸۶۰۱۵۸۲۹
و شماره شاسی ۶۱۳۳۲۵۴۵
مفقود و فاقد اعتبار می باشد ۱۴۰۱۷۹۶۷۴/پ

پروانه نظام مهندسی نظارت عمران پایه یک
به شماره سریال ۱۹۶۱۰۹ بنام حمید رضا صادقی به شماره ملی ۱۰۶۰۲۹۹۹۱۷ به شماره عضویت ۱۹۳۰۰۵۶۴۸ نظام مهندسی ساختمان استان خراسان رضوی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.
۱۴۰۱۷۹۶۴۶/ش

برگ سبز سمند EF7 به شماره انتظامی
۵۵۶-۲۶ق۱۵ شماره شاسی
NAACJ1JE5EF176808 **شماره موتور**
147H0101323 **بنام محسن رضوی نیا مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.** ۱۴۰۱۷۹۶۵۶/و

اینجانب محمد دهقانی محمدآبادی مالک خودرو سمند LX به شماره انتظامی ایران ۷۴-۳۲۱ ق ۳۱ به شماره شاسی NAACR1HS0EF579474 و شماره موتور ۱۴۷H۰۰۹۴۳۳۷ به علت فقدان اسناد فروش کارت ماشین، برگ سبز، سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.
۱۴۰۱۷۹۶۶۶/م

گواهینامه و کارت ملی
به شماره ۰۹۴۲۸۴۴۲۴۶ بنام اینجانب حسین رضایی درح از تاریخ ۱۴۰۱/۴/۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.
۱۴۰۱۷۹۶۴۱/م

برگ سبز وسند کمپانی واسناد انتقالی کامیونت نیسان به شماره انتظامی ۳۲-۶۲۳ب۷۲ وشماره موتور ۰۰۱۲۴۰۱۷ وشماره شاسی 00C25353 به نام سید علی عبدی مفقود شده وفاقد اعتبار است.
۱۴۰۱۷۹۶۳۵/ش

خرید و فروش آسان در نیازمندیهای خراسان

سند کمپانی یک دستگاه سواری هاچ بک تیپ S3-AT سیستم جک، به رنگ سفید ـ روغنی مدل ۱۳۹۷به شماره انتظامی ایران ۳۲ - ۴۸۶ ط ۲۱ و شماره موتور، HFC4GB303DJ0010576 و به شماره شاسی NAKSG7421JB111730 بنام عباس احمدی گزکوه مفقود گردیده و اعتبار ندارد.
۱۴۰۱۷۹۶۵۳/و

کارت ماشین و برگ سبز خودرو پراید نقره ای
مدل ۸۹ به شماره انتظامی ایران ۳۲-۷۱۱ ط ۵۱
به شماره موتور ۳۸۱۲۸۰۵ به شماره شاسی
S1412289810888 بنام فاطمه هژبری ترنیک
مفقود و فاقد اعتبار است ۱۴۰۱۷۹۶۲۹/م

کارت سبز سواری سایپا مدل ۱۴۰۰ به شماره انتظامی ایران ۳۲-۳۸۳و۵۷ وشماره موتور M15/9465803و شماره شاسی NAS811100M5785375به نام محمد رضا انصاری بجستانی مفقود و اعتبارندارد.
۱۴۰۱۷۹۶۲۶/ش